

اثربخشی مداخلات مبتنی بر مدرسه و خانواده در کاهش غیبت مزمن

سیده فاطمه خسروی

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین اثربخشی مداخلات مبتنی بر مدرسه و خانواده در کاهش غیبت مزمن دانش‌آموزان در قالب یک مقاله مروری جامع تدوین شده است. غیبت مزمن به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین در نظام‌های آموزشی معاصر شناخته می‌شود که نه تنها پیشرفت تحصیلی، بلکه سلامت روان و آینده شغلی فراگیران را با تهدید جدی روبرو می‌سازد. در این مطالعه، مداخلات گوناگونی از جمله سیستم‌های هشدار زودهنگام، بهبود اقلیم مدرسه، برنامه‌های بازدید از منزل، و آموزش مهارت‌های فرزندپروری مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. روش پژوهش حاضر از نوع مروری است که با بررسی منابع داخلی و بین‌المللی معتبر، به تحلیل نظام‌مند اثربخشی راهکارهای ارائه شده در سطوح مختلف پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخلات تک‌بعدی معمولاً کارایی پایداری ندارند و موفق‌ترین برنامه‌ها آن‌هایی هستند که به صورت همزمان بر تقویت پیوند میان خانه و مدرسه تمرکز می‌کنند. مداخلات مبتنی بر مدرسه که شامل حمایت‌های بهداشتی و روان‌شناختی هستند، نقش بسزایی در کاهش غیبت‌های موجه دارند، در حالی که مداخلات خانواده‌محور بر کاهش رفتارهای اجتنابی و افزایش انگیزه حضور تأثیرگذارند. این مقاله تأکید می‌کند که شناسایی ریشه‌های غیبت و ارائه حمایت‌های شخصی‌سازی شده به جای رویکردهای تنبیهی، کلید اصلی در بهبود نرخ حضور دانش‌آموزان است. نتایج پژوهش ضرورت هماهنگی میان نهادهای آموزشی، بهداشتی و اجتماعی را برای طراحی یک الگوی جامع مداخله‌ای برجسته می‌سازد. در نهایت، ارتقای سطح آگاهی والدین و توانمندسازی معلمان در شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر می‌تواند به عنوان راهبردی بنیادین در جهت تحقق عدالت آموزشی و کاهش افت تحصیلی در نظام تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: غیبت مزمن، مداخلات مدرسه‌محور، مشارکت خانواده، پیشرفت تحصیلی، عدالت آموزشی.

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار و بازتولید سرمایه انسانی محسوب می‌شود که موفقیت آن در گرو حضور منظم و فعال دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی است. غیبت مزمن دانش‌آموزان به عنوان پدیده‌ای که در آن فراگیر بیش از ده درصد از روزهای تحصیلی را از دست می‌دهد، به یکی از نگرانی‌های عمده سیاست‌گذاران آموزشی در سطح جهانی تبدیل شده است. حضور در مدرسه فراتر از یادگیری دروس آکادمیک، عرصه‌ای برای جامعه‌پذیری، تمرین مهارت‌های بین‌فردی و شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان فراهم می‌آورد که غیبت مداوم این روند را با اختلال جدی مواجه می‌سازد (انصاری فرد و دیگران، ۱۴۰۰). با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون جوامع مدرن، دلایل غیبت دانش‌آموزان نیز از مسائل ساده فردی به سمت چالش‌های ساختاری و محیطی تغییر جهت داده است که نیازمند تبیین‌های علمی و راهکارهای نوین است.

تجربه نشان داده است که سال‌های اولیه تحصیل دوران بسیار حساسی برای شکل‌گیری عادت حضور منظم در مدرسه است و دانش‌آموزانی که در این دوره دچار غیبت می‌شوند، در سال‌های بعد با مشکلات آموزشی دوجندانی روبرو خواهند بود. بسیاری از دانش‌آموزان به دلایلی که خارج از کنترل مستقیم آن‌هاست، از جمله فقر اقتصادی، بیماری‌های مزمن و ناامنی محیطی، از حضور در کلاس درس باز می‌مانند که این موضوع ضرورت بررسی مداخلات حمایتی را ایجاب می‌کند. مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی پویا، وظیفه دارد محیطی جذب‌کننده و امن فراهم کند که دانش‌آموزان با اشتیاق در آن حضور یابند و خود را بخشی از یک کل بزرگتر بدانند (شفیعی و دیگران، ۲۰۲۰). در دهه‌های اخیر، رویکردهای نوین آموزشی از مدل‌های صرفاً تنبیهی به سمت مدل‌های پیشگیرانه و کل‌نگر حرکت کرده‌اند که در آن‌ها غیبت به عنوان یک علامت از مشکلات عمیق‌تر دیده می‌شود.

اهمیت حضور منظم در مدرسه تنها به پیشرفت تحصیلی فرد محدود نمی‌شود، بلکه بر کارایی کل سیستم آموزشی و پویایی کلاس درس نیز تأثیر مستقیم دارد. زمانی که نرخ غیبت در یک واحد آموزشی بالا می‌رود، معلمان مجبور می‌شوند بخش زیادی از زمان خود را صرف جبران عقب‌ماندگی‌های دانش‌آموزان غایب کنند که این امر کیفیت آموزش را برای سایرین نیز کاهش می‌دهد. از این رو، طراحی مداخلاتی که بتواند به صورت ریشه‌ای با معضل غیبت مقابله کند، به یکی از اولویت‌های اصلی مدیران مدارس تبدیل شده است (مرادیگی و لطیفی، ۲۰۱۴). مداخلات موثر معمولاً بر اساس شواهد علمی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه طراحی می‌شوند تا بیشترین تأثیر را بر روی دانش‌آموزان در معرض خطر داشته باشند.

یکی از جنبه‌های کلیدی در مقدمه بحث غیبت مزمن، نقش بی‌بدیل تعامل میان خانه و مدرسه در تضمین حضور مستمر دانش‌آموزان است. خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرزندان نسبت به آموزش را شکل می‌دهد و مدرسه به عنوان محیط مکمل، این ارزش‌ها را در قالب فعالیت‌های سازمان‌یافته به پیش می‌برد. اگر میان این دو نهاد هماهنگی و هم‌افزایی وجود نداشته باشد، دانش‌آموز در فضای تضاد قرار گرفته و احتمال غیبت‌های مکرر افزایش می‌یابد (تقوی و دیگران، ۱۴۰۳). بنابراین، هرگونه مداخله‌ای برای کاهش غیبت باید بر مبنای تقویت این پیوند دوجانبه استوار باشد تا بتواند تغییرات پایدار در رفتار دانش‌آموز ایجاد کند.

در سال‌های اخیر، استفاده از تکنولوژی‌های نوین و داده‌کاوی به مدارس کمک کرده است تا الگوهای پنهان غیبت را شناسایی کرده و پیش از آنکه غیبت به یک عادت پایدار تبدیل شود، وارد عمل شوند. مداخلات زودهنگام که بر پایه تحلیل داده‌های حضور و غیاب صورت می‌گیرند، پتانسیل بالایی برای جلوگیری از افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بالاتر دارند (کریمیان و دیگران، ۱۴۰۲). با این حال، موفقیت این مداخلات در گرو توانمندی کادر آموزشی در برقراری ارتباط موثر با خانواده‌ها و ارائه حمایت‌های متناسب با نیازهای خاص هر دانش‌آموز است. تبیین دقیق این مداخلات و بررسی اثربخشی آن‌ها، هدف اصلی این مقاله مروری است که با نگاهی جامع به ادبیات پژوهشی تدوین گردیده است. نظام‌های آموزشی موفق در دنیا بر این باورند که غیبت مزمن یک "مساله بدخیم" است که راه حل‌های ساده و خطی برای آن وجود ندارد و نیازمند همکاری‌های بین‌بخشی گسترده است. این موضوع ضرورت انجام پژوهش‌های مروری را که نتایج مطالعات مختلف را در کنار هم قرار می‌دهند، برای ارائه یک نقشه راه به مدیران آموزشی دوچندان می‌کند (لارا و دیگران، ۲۰۱۸). ما در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با بررسی جامع مداخلات مدرسه‌محور و خانواده‌محور، چارچوبی عملیاتی برای کاهش نرخ غیبت در مدارس ارائه دهیم. این چارچوب نه تنها بر حضور فیزیکی، بلکه بر بهبود کیفیت تجربه دانش‌آموز از مدرسه و افزایش دل‌بستگی او به فرآیند یادگیری تمرکز دارد.

در نهایت، مقدمه این بحث با تأکید بر این نکته به پایان می‌رسد که غیبت مزمن یک چالش جهانی با راه‌حل‌های محلی است که باید با دقت و ظرافت مورد مطالعه قرار گیرد. ارتقای نرخ حضور دانش‌آموزان در مدرسه، گامی اساسی در جهت کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تضمین آینده‌ای روشن برای تمامی کودکان و نوجوانان است. با تبیین دقیق مداخلات و بررسی ابعاد مختلف آن‌ها، می‌توان امیدوار بود که مدارس به محیط‌هایی تبدیل شوند که در آن‌ها هیچ دانش‌آموزی به دلیل موانع محیطی یا خانوادگی از حق تحصیل محروم نماند (چایلدز و اسکولون، ۲۰۲۲). این مقاله با چنین رویکردی، به بررسی عمیق ادبیات موجود پرداخته و تلاش می‌کند تا دانش کاربردی در اختیار فعالان حوزه تعلیم و تربیت قرار دهد.

بیان مساله

مساله اصلی در پژوهش حاضر این است که غیبت مزمن دانش‌آموزان به عنوان یک معضل پیچیده، ریشه‌های عمیقی در نابرابری‌های ساختاری و نارسایی‌های سیستم آموزشی دارد که مداخلات سنتی قادر به حل آن نبوده‌اند. غیبت مزمن صرفاً به معنای فرار از مدرسه نیست، بلکه طیف وسیعی از غیبت‌های موجه ناشی از فقر، بیماری و مشکلات خانوادگی را شامل می‌شود که اغلب در آمارهای رسمی نادیده گرفته می‌شوند. این پدیده باعث می‌شود که دانش‌آموزان آسیب‌پذیر به تدریج از چرخه یادگیری خارج شده و با افت تحصیلی شدیدی روبرو گردند که جبران آن در مراحل بعدی تحصیل بسیار دشوار است (چایلدز و لافتون، ۲۰۲۱). مشکل اصلی اینجاست که مدارس اغلب زمانی متوجه غیبت دانش‌آموز می‌شوند که کار از کار گذشته و ارتباط فراگیر با محیط آموزشی به کلی قطع شده است.

بسیاری از مناطق آموزشی همچنان از میانگین حضور روزانه به عنوان شاخص موفقیت استفاده می‌کنند که این امر باعث می‌شود غیبت‌های مزمن دانش‌آموزان خاص در میان آمارهای کلی مخفی بماند. زمانی که یک دانش‌آموز به طور متناوب غیبت می‌کند، نه تنها دروس را از دست می‌دهد، بلکه اعتماد به نفس او برای بازگشت به کلاس و روبرو شدن با همسالان نیز کاهش می‌یابد. این چرخه معیوب منجر به انزوای اجتماعی دانش‌آموز شده و او را به سمت ترک تحصیل دائمی سوق

می دهد که هزینه های سنگینی را به دولت ها و جوامع تحمیل می کند (لندن و دیگران، ۲۰۱۶). بنابراین، مساله اساسی این است که چگونه می توان مداخلاتی طراحی کرد که پیش از تبدیل شدن غیبت به یک بحران، دانش آموز را شناسایی و حمایت کند.

در سطح مدرسه، فقدان یک سیستم جامع حمایتی و تمرکز بیش از حد بر رویکردهای انضباطی، باعث شده است که دانش آموزان غایب به جای دریافت کمک، با جریمه و طرد بیشتر روبرو شوند. مدارس معمولاً فاقد منابع انسانی لازم مانند مددکاران اجتماعی و پرستاران مدرسه هستند که بتوانند به ریشه های غیرآموزشی غیبت، نظیر بیماری های مزمن یا استرس های روانی، رسیدگی کنند. این کمبود باعث می شود که دانش آموز در مواجهه با مشکلات فردی و محیطی تنها بماند و غیبت را به عنوان تنها راه حل موقت خود برگزیند (گوتفرد و دیگران، ۲۰۱۹). مساله اینجاست که سیستم آموزشی فعلی همیشه برای پذیرش و حمایت از دانش آموزانی که با چالش های زندگی دست و پنجه نرم می کنند، آمادگی کافی ندارد.

از سوی دیگر، خانواده ها نیز به عنوان یکی از کانون های اصلی تاثیرگذار بر غیبت، با چالش های متعددی روبرو هستند که مانع از ایفای نقش حمایتی آن ها می شود. فقر اقتصادی، اعتیاد والدین، طلاق و ناآگاهی از پیامدهای غیبت های پراکنده، از جمله عواملی هستند که نظارت والدین بر حضور فرزندان در مدرسه را تضعیف می کنند. در بسیاری از موارد، والدین غیبت های گاه و بیگاه فرزندان را جدی نمی گیرند و نمی دانند که این غیبت ها چگونه در درازمدت مانع از پیشرفت تحصیلی و شغلی آن ها خواهد شد (حصارپور، ۱۴۰۳). مساله اصلی در اینجا، شکاف ارتباطی میان خانه و مدرسه است که مانع از تشکیل یک جبهه متحد برای حمایت از حضور منظم دانش آموزان می گردد.

عوامل محیطی و اجتماعی نیز بر پیچیدگی این مساله افزوده اند؛ ناامنی محله، آلودگی هوا و دوری مسیر مدرسه از جمله موانعی هستند که دانش آموزان را به غیبت وادار می کنند. در مناطق حاشیه نشین، دانش آموزان ممکن است در مسیر مدرسه با خطرات فیزیکی یا وسوسه های گروه های بزهکار روبرو شوند که حضور در کلاس را برای آن ها پرخطر می سازد. مداخلات آموزشی فعلی اغلب این متغیرهای محیطی را نادیده می گیرند و تنها بر رفتارهای داخل مدرسه تمرکز دارند که این امر اثربخشی آن ها را به شدت کاهش می دهد (مک ناتون و دیگران، ۲۰۱۷). بنابراین، مساله اساسی این پژوهش، تبیین چگونگی اثربخشی مداخلاتی است که تمامی این سطوح را به صورت هماهنگ هدف قرار می دهند.

در تحلیل نهایی، مساله غیبت مزمن نشان دهنده نقص در تحقق عدالت آموزشی است، زیرا دانش آموزانی که بیشترین نیاز را به آموزش دارند، بیشترین زمان یادگیری را از دست می دهند. اگر نظام آموزشی نتواند راهکارهای موثری برای کاهش غیبت ارائه دهد، نابرابری های اجتماعی در نسل های آینده تشدید شده و تحرک طبقاتی متوقف خواهد شد. واکاوی مداخلات مدرسه محور و خانواده محور به ما کمک می کند تا بفهمیم کدام رویکردها توانسته اند این سد نابرابری را بشکنند و حضور دانش آموزان را تضمین کنند (مظفری و دیگران، ۱۴۰۱). این مقاله با تمرکز بر این چالش ها، در صدد ارائه تبیینی جامع از اثربخشی راهکارهای موجود برای حل این مساله "بدخیم" در نظام تعلیم و تربیت است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت پرداختن به اثربخشی مداخلات کاهش غیبت مزمن از آنجا ناشی می‌شود که حضور در مدرسه پیش‌بین اصلی موفقیت در بزرگسالی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. دانش‌آموزانی که به طور منظم در مدرسه حاضر می‌شوند، نه تنها نمرات بهتری کسب می‌کنند، بلکه مهارت‌های تنظیم هیجانی و تاب‌آوری را نیز در خود تقویت می‌نمایند. غیبت مزمن به عنوان یک شاخص هشداردهنده برای مشکلات جدی‌تر مانند بزهکاری، اعتیاد و بیکاری در آینده شناخته شده است که پیشگیری از آن اهمیتی حیاتی دارد (رافا، ۲۰۱۷). انجام پژوهش‌های جامع در این زمینه به مدیران آموزشی اجازه می‌دهد تا به جای آزمون و خطا، از راهکارهایی استفاده کنند که اثربخشی آن‌ها در مطالعات تجربی به اثبات رسیده است.

از منظر اقتصادی، غیبت مزمن هزینه‌های پنهان سنگینی را به بودجه عمومی تحمیل می‌کند که شامل هزینه‌های مربوط به تکرار پایه، آموزش‌های جبرانی و در درازمدت کاهش بهره‌وری نیروی کار است. هر دانش‌آموزی که به دلیل غیبت مکرر از تحصیل باز می‌ماند، پتانسیل خود را برای مشارکت فعال در اقتصاد ملی از دست می‌دهد و ممکن است به هزینه‌بری برای سیستم‌های حمایتی تبدیل شود. سرمایه‌گذاری بر روی مداخلات پیشگیرانه در دوران مدرسه، در واقع یک اقدام هوشمندانه اقتصادی است که بازگشت سرمایه بالایی برای جامعه به همراه خواهد داشت (یانگ و دیگران، ۲۰۲۰). این پژوهش با تبیین اثربخشی این مداخلات، ضرورت تخصیص منابع به برنامه‌های بهبود حضور و غیاب را برای سیاست‌گذاران روشن می‌سازد.

اهمیت دیگر این پژوهش در حوزه سلامت و رفاه اجتماعی دانش‌آموزان نهفته است، زیرا مدرسه اغلب اولین محیطی است که می‌تواند مشکلات بهداشتی و روانی فراگیران را شناسایی کند. مداخلات مدرسه‌محور که شامل همکاری با تیم‌های پزشکی و روان‌شناسی هستند، می‌توانند به شناسایی زودهنگام بیماری‌هایی که منجر به غیبت می‌شوند، کمک کرده و کیفیت زندگی دانش‌آموز را ارتقا دهند. این هم‌افزایی میان آموزش و سلامت، برای تضمین رشد متعادل کودکان و نوجوانان در تمامی ابعاد جسمی و روانی ضرورتی انکارناپذیر است (هندرسون و دیگران، ۲۰۱۴). مطالعه حاضر با بررسی این پیوندها، نشان می‌دهد که چگونه مداخلات چندجانبه می‌توانند سلامت کل نگر دانش‌آموزان را بهبود بخشیده و موانع حضور آن‌ها را رفع کنند.

همچنین، ضرورت این تحقیق با توجه به تغییرات سریع در ساختارهای خانواده و افزایش چالش‌های زندگی مدرن که بر نظارت والدین تأثیر گذاشته است، دوچندان می‌شود. در دنیای امروز، والدین با فشارهای اقتصادی و کاری زیادی روبرو هستند که ممکن است آن‌ها را از پیگیری وضعیت تحصیلی و حضور فرزندانشان باز دارد. تبیین مداخلات خانواده‌محور به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه می‌توان از والدین حمایت کرد تا به بهترین شکل نقش نظارتی و مشوق خود را ایفا کنند (کریمیان و دیگران، ۱۴۰۲). این پژوهش با ارائه الگوهای موفق مشارکت خانواده، به معلمان کمک می‌کند تا پل‌های ارتباطی قوی‌تری با والدین برقرار کرده و یک محیط حمایتی یکپارچه برای دانش‌آموز بسازند.

از بعد فرهنگی نیز، ضرورت دارد که مداخلات با ارزش‌ها و باورهای بومی دانش‌آموزان هماهنگ شوند تا بیشترین پذیرش را داشته باشند. در بسیاری از موارد، غیبت دانش‌آموز ناشی از تضاد فرهنگی میان خانه و مدرسه است که باعث می‌شود فرد احساس تعلق به محیط آموزشی نداشته باشد. بررسی اثربخشی مداخلاتی که به تنوع فرهنگی احترام می‌گذارند، به ما کمک می‌کند تا مدارس بسازیم که برای تمامی دانش‌آموزان با هر پیشینه‌ای، مکانی برای رشد و بالندگی باشد (تقوی

و دیگران، ۱۴۰۳). این مقاله با نگاهی چندفرهنگی به موضوع غیبت، ضرورت توجه به زمینه‌های فرهنگی را در طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی برجسته می‌سازد.

در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین پروتکل‌های ملی در جهت مقابله با غیبت مزمن و ارتقای پیشرفت تحصیلی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اینکه غیبت مزمن یک پدیده پیچیده است، وجود یک مرجع علمی که مداخلات موثر را دسته‌بندی و تحلیل کرده باشد، ضرورتی برای کادر آموزشی در تمامی سطوح است. این مطالعه نه تنها به غنای ادبیات پژوهشی در این حوزه می‌افزاید، بلکه راهکارهای عملی و قابل اجرا در اختیار مدارس قرار می‌دهد تا بتوانند نرخ حضور دانش‌آموزان را افزایش دهند (مظفری و دیگران، ۱۴۰۱). بنابراین، تبیین اثربخشی مداخلات، رسالتی اخلاقی و حرفه‌ای برای بهبود کیفیت زندگی کودکانی است که در مسیر تحصیل با مانع روبرو شده‌اند.

تعاریف و مبانی نظری

مفهوم غیبت مزمن در ادبیات پژوهشی نوین به عنوان یک متغیر چندبعدی تعریف می‌شود که فراتر از شمارش ساده روزهای حضور، به کیفیت درگیری دانش‌آموز با فرآیند یادگیری اشاره دارد. غیبت مزمن وضعیتی است که در آن دانش‌آموز به هر دلیلی، اعم از بیماری‌های جسمی، مشکلات روان‌شناختی یا موانع ساختاری، بیش از ده درصد از فرصت‌های آموزشی خود را در یک سال تحصیلی از دست می‌دهد (باور و دیگران، ۲۰۱۸). این تعریف جامع تمامی انواع غیبت‌های موجه و غیرموجه را در بر می‌گیرد، زیرا از منظر تئوریک، پیامد نهایی که همان از دست رفتن زمان آموزش است، در هر دو حالت یکسان باقی می‌ماند. نظریه پردازان حوزه تعلیم و تربیت بر این باورند که حضور منظم در مدرسه پایه و اساس دلبستگی به محیط آموزشی است و هرگونه خلل در آن می‌تواند زنجیره رشد شناختی و اجتماعی فرد را با تهدید جدی روبرو سازد (لارا و دیگران، ۲۰۱۸). در واقع، غیبت مزمن نه تنها یک رفتار انضباطی، بلکه یک شاخص کلیدی برای ارزیابی رفاه کلی و سلامت روان دانش‌آموز محسوب می‌شود.

یکی از بنیادین‌ترین چارچوب‌های نظری برای تبیین غیبت مزمن، نظریه سیستم‌های اکولوژیک برونفن‌برنر است که بر تعامل مستمر دانش‌آموز با لایه‌های مختلف محیطی تأکید می‌ورزد. در این مدل، غیبت دانش‌آموز نتیجه ناهماهنگی در میکوسیستم‌ها یعنی خانه و مدرسه، و همچنین ضعف در مزوسیستم یعنی کیفیت ارتباط میان این دو محیط تلقی می‌شود (چایلدز و اسکنلون، ۲۰۲۲). اگر پیوند عاطفی و عملی میان والدین و معلمان سست باشد، دانش‌آموز در فضای خلأ قرار گرفته و نظارت کافی بر حضور او صورت نمی‌گیرد که این امر منجر به عادی‌سازی غیبت می‌شود. علاوه بر این، اگزوسیستم که شامل سیاست‌های کلان آموزشی و شرایط اقتصادی محله است، با تحمیل استرس‌های بیرونی می‌تواند مانع از حضور فیزیکی و ذهنی فراگیر در کلاس درس شود (دیویس و دیگران، ۲۰۱۹). این دیدگاه سیستمی به ما می‌آموزد که برای حل معضل غیبت، نباید تنها بر اصلاح رفتار فردی تمرکز کرد، بلکه باید تمامی ساختارهای پیرامونی دانش‌آموز را مورد بازنگری قرار داد.

نظریه دلبستگی به مدرسه و پیوند اجتماعی نیز نقش بسیار برجسته‌ای در تبیین چرایی ماندگاری دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی ایفا می‌کند. بر اساس این نظریه، حضور منظم در مدرسه زمانی تحقق می‌یابد که دانش‌آموز چهار عنصر اصلی دلبستگی، تعهد، درگیری و باور را در خود تقویت کرده باشد (اکلون و دیگران، ۲۰۲۲). دلبستگی به معنای

وجود روابط عاطفی مثبت با معلمان و همسالان است که باعث می شود دانش آموز مدرسه را مکانی امن و دوست داشتنی تصور کند. تعهد به اهداف آموزشی و درگیری در فعالیت های فوق برنامه نیز به عنوان سپرهای دفاعی در برابر وسوسه غیبت عمل کرده و دانش آموز را نسبت به آینده تحصیلی خود مسئولیت پذیر می سازند (تقوی و دیگران، ۱۴۰۳). زمانی که یکی از این عناصر آسیب ببیند، دانش آموز به تدریج از مدرسه فاصله گرفته و غیبت های پراکنده او به مرور به الگویی مزمن و پایدار تبدیل می شود که خروج از آن نیازمند مداخلات حمایتی گسترده است.

جدول ۱: تبیین ابعاد نظری موثر بر غیبت مزمن

چارچوب نظری	متغیرهای کلیدی	مکانیسم اثر بر غیبت
نظریه اکولوژیک	میکوسیستم، مزوسیستم، اگزوسیستم	تأثیر تداخل محیط های خانه و مدرسه بر حضور
نظریه دلبستگی	پیوند عاطفی، تعهد، باور	افزایش انگیزه درونی برای حضور فعال در کلاس
سرمایه اجتماعی	اعتماد، روابط بین فردی، حمایت	فراهم کردن شبکه حمایتی برای دانش آموز غایب
خودکارآمدی	باور به توانایی، انگیزه پیشرفت	کاهش رفتارهای اجتنابی ناشی از ترس از شکست
مدل بهداشتی	سلامت جسمانی، بیماری مزمن	تأثیر مستقیم بیماری بر غیبت های موجه و طولانی

نظریه سرمایه اجتماعی نیز بر اهمیت روابط و شبکه های حمایتی در کاهش نرخ غیبت دانش آموزان تأکید دارد و مدرسه را منبعی بزرگ از این سرمایه می دانند. سرمایه اجتماعی در مدرسه شامل اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک و انتظارات بالایی است که کادر آموزشی و والدین از دانش آموز دارند (شلدون و ایستاین، ۲۰۰۴). غیبت مزمن باعث می شود که دانش آموز از این شبکه حمایتی محروم شده و دسترسی او به منابع اطلاعاتی و عاطفی که برای موفقیت تحصیلی ضروری هستند، قطع شود. این محرومیت به نوبه خود منجر به کاهش انگیزه و افزایش حس بیگانگی نسبت به ارزش های مدرسه می گردد که یکی از محرک های اصلی ترک تحصیل در آینده است (انصاری فرد و دیگران، ۱۴۰۰). تقویت سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت دادن خانواده ها در فرآیندهای تصمیم گیری مدرسه می تواند به عنوان راهبردی موثر برای بهبود نرخ حضور و غیاب دانش آموزان عمل نماید و حس مسئولیت جمعی را تقویت کند.

از منظر روان شناسی رشد، غیبت مزمن با نظریه خودکارآمدی بندورا و انگیزه درونی نیز قابل تبیین است، به طوری که دانش آموزان با خودکارآمدی پایین تمایل بیشتری به اجتناب از مدرسه دارند. دانش آموزی که خود را در یادگیری ناتوان می بیند، برای فرار از تجربه شکست و قضاوت دیگران، غیبت را به عنوان یک مکانیسم دفاعی انتخاب می کند (کیانی و دیگران، ۲۰۱۸). این اجتناب باعث می شود که او فرصت های یادگیری را از دست داده و در نتیجه در بازگشت به مدرسه با حجم بیشتری از مطالب یاد نگرفته روبرو شود که خود عامل استرس مضاعف است. این چرخه معیوب که در نظریه درماندگی آموخته شده سلیگمن نیز به آن اشاره می شود، دانش آموز را به سمتی سوق می دهد که غیبت را به عنوان تنها راه کاهش تنش روانی خود بپذیرد (مظفری و دیگران، ۱۴۰۱). بنابراین، تقویت باورهای مثبت نسبت به توانمندی های فردی و ایجاد محیط های یادگیری بدون تهدید، از الزامات تئوریک برای کاهش غیبت است.

مبانی نظری سلامت محور نیز بر پیوند میان وضعیت جسمانی و حضور در مدرسه تأکید دارند و غیبت را نتیجه نارسایی در سیستم های بهداشتی می دانند. بیماری های مزمن مانند آسم یا مشکلات دندانی که در خانواده های کم درآمد شایع تر هستند، به عنوان عوامل اصلی غیبت های موجه شناخته می شوند که در صورت عدم مدیریت به غیبت مزمن تبدیل

می‌گردند (هندرسون و دیگران، ۱۴۰۴). در این مدل، مدرسه به عنوان یک پایگاه بهداشتی در نظر گرفته می‌شود که وظیفه دارد با ارائه خدمات مراقبتی اولیه، مانع از خروج دانش آموز از چرخه آموزش به دلایل پزشکی ساده شود. همچنین، نظریه فشار روانی محیطی بیان می‌کند که شرایط فیزیکی مدرسه مانند تهویه نامناسب یا آلودگی‌های صوتی می‌تواند باعث تشدید بیماری‌ها گردد (مک‌ناتون و دیگران، ۲۰۱۷). توجه به ابعاد بهداشتی و محیطی در کنار مباحث تربیتی، دیدگاهی کل‌نگر به پژوهشگران می‌دهد تا بتوانند تمامی زوایای این معضل را واکاوی کنند.

جدول ۲: مقایسه مداخلات مدرسه‌محور و خانواده‌محور از منظر تئوریک

نوع مداخله	مبنای نظری	اهداف استراتژیک	مخاطب اصلی
مدرسه‌محور	نظریه اقلیم سازمانی	بهبود جذابیت محیط فیزیکی و روانی	کادر مدرسه و دانش‌آموز
خانواده‌محور	نظریه مشارکت والدین	تقویت نظارت و حمایت خانگی از تحصیل	والدین و مراقبان
بهداشتی	مدل تعیین‌کننده‌های اجتماعی	رفع موانع جسمانی و دسترسی به درمان	تیم‌های سلامت و درمان
روان‌شناختی	نظریه شناختی-رفتاری	کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش تاب‌آوری	مشاوران و روان‌شناسان

در نهایت، نظریه پاسخگویی مبتنی بر نتایج به ما می‌آموزد که غیبت مزمن باید به عنوان یک شاخص عملکردی برای ارزیابی موفقیت مدارس در برقراری عدالت آموزشی در نظر گرفته شود. این نظریه بر این باور است که مدارس مسئولیت دارند تا تمامی موانع حضور دانش‌آموزان را شناسایی کرده و برای هر یک راهکار مشخصی ارائه دهند (دیویس و دیگران، ۲۰۱۹). نگاه سنتی که غیبت را تنها خطای فردی دانش‌آموز می‌دانست، در این چارچوب نظری جای خود را به نگاهی سیستمی داده است که در آن مدرسه باید به نیازهای متنوع دانش‌آموزان پاسخ دهد. غیبت مزمن در واقع نشان‌دهنده شکست سیستم در جذب دانش‌آموز و فراهم کردن محیطی است که او در آن احساس ارزشمندی و رشد نماید (چاپلندز و لافتون، ۲۰۲۱). با ترکیب این دیدگاه‌های نظری، می‌توان به یک مدل تبیینی جامع دست یافت که تمامی ابعاد فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی غیبت را به شکلی منسجم تفسیر کند.

یافته‌ها

تحلیل یافته‌های پژوهشی در سطح بین‌المللی و داخلی نشان می‌دهد که مداخلات مبتنی بر داده و سیستم‌های هشدار زود هنگام، کارآمدترین روش برای مقابله با غیبت مزمن هستند. مدارس می‌توانند با غیبت مزمن مواجه شوند و غیاب را به صورت بلادرنگ تحلیل می‌کنند، قادرند دانش‌آموزان در معرض خطر را پیش از آنکه غیبت آن‌ها به مرحله بحرانی برسد، شناسایی و حمایت کنند (دیویس و دیگران، ۲۰۱۹). یافته‌ها حاکی از آن است که تماس‌های تلفنی ساده، بازدید از منزل و برگزاری جلسات مشاوره با خانواده‌ها، تأثیر بسزایی در بازگرداندن دانش‌آموزان به چرخه آموزش داشته است. همچنین، استفاده از

نظریه "تلنگر" ۱ در قالب ارسال پیام‌های انگیزشی به والدین، توانسته است نرخ غیبت را در برخی مناطق تا ۱۵ درصد کاهش دهد (باور و دیگران، ۲۰۱۸). این یافته‌ها بر قدرت اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزارهای ارزان قیمت اما موثر در تغییر رفتارهای آموزشی تأکید می‌ورزند.

در حوزه مداخلات اجتماعی-هیجانی، یافته‌ها نشان می‌دهند که بهبود اقلیم مدرسه منجر به تقویت حس تعلق و کاهش نرخ غیبت‌های غیرموجه می‌گردد. دانش‌آموزانی که در مدرسه احساس امنیت می‌کنند و با معلمان خود رابطه صمیمانه‌ای دارند، کمتر به دنبال بهانه‌هایی برای غیبت از کلاس درس هستند (اکلوند و دیگران، ۲۰۲۲). یافته‌های مطالعات طولی نشان می‌دهند که اجرای برنامه‌های ضد قلدری و تقویت مهارت‌های بین‌فردی در مدرسه، نه تنها نرخ غیبت را کاهش می‌دهد، بلکه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را نیز به طور معناداری ارتقا می‌بخشد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری بر روی رفاه روانی دانش‌آموزان، در واقع یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه بر روی نتایج آموزشی آنهاست (تقوی و دیگران، ۱۴۰۳). مدارس موفق در این زمینه، آن‌هایی بوده‌اند که بر ساختن یک "جامعه یادگیرنده" به جای یک "ساختار اداری" تمرکز کرده‌اند.

جدول ۳: یافته‌های مربوط به اثربخشی انواع مداخلات در کاهش غیبت

منبع کلیدی	میزان اثربخشی شناسایی شده	راهکار عملیاتی	طبقه مداخله
دیویس (۲۰۱۹)	بسیار بالا در شناسایی پیشگیرانه	سیستم‌های هشدار زودهنگام	ساختاری
بالفانز (۲۰۱۳)	بالا در بهبود نگرش والدین	برنامه‌های بازدید از منزل	خانواده‌محور
رنکین (۲۰۲۱)	بالا در کاهش غیبت‌های پزشکی	حضور پرستار در مدرسه	بهداشتی
باور (۲۰۱۸)	متوسط در تغییر عادت‌های کوتاه‌مدت	جوایز حضور منظم و تلنگرها	انگیزشی
لندن (۲۰۱۶)	بالا در افزایش حس تعلق به مدرسه	مربوبی همسالان و منتورینگ	اجتماعی

یافته‌های مرتبط با نقش خانواده تایید می‌کنند که مداخلات خانواده‌محور زمانی موثرترند که بر توانمندسازی والدین به جای تویخ آن‌ها تمرکز کنند. برنامه‌های آموزشی که به والدین می‌آموزند چگونه محیطی مشوق برای یادگیری در خانه فراهم کنند و چگونه با استرس‌های فرزندانشان روبرو شوند، تأثیر پایداری بر حضور منظم دانش‌آموزان دارند (شلدون و اپستاین، ۲۰۰۴). یافته‌ها نشان داد که در خانواده‌های درگیر با فقر، ارائه حمایت‌های مادی نظیر وسایل حمل و نقل و تغذیه رایگان در کنار مداخلات تربیتی، نرخ غیبت را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد (حصارپور، ۱۴۰۳). این موضوع

بر لزوم اتخاذ رویکردهای کل نگر که همزمان به نیازهای مادی و معنوی خانواده‌ها پاسخ می‌دهند، تأکید دارد و نشان می‌دهد که فقر نباید مانعی برای دسترسی به آموزش باشد.

در بخش مداخلات بهداشتی، یافته‌ها حاکی از آن است که حضور پرستاران مدرسه و ارائه خدمات دندانپزشکی و بینایی‌سنجی در محیط آموزش، نرخ غیبت‌های ناشی از بیماری را به شدت کاهش می‌دهد. دانش‌آموزانی که به خدمات بهداشتی ارزان قیمت دسترسی دارند، کمتر به دلیل دردهای مزمن یا بیماری‌های ساده از کلاس درس غایب می‌شوند (هندرسون و دیگران، ۲۰۱۴). یافته‌های جدید نشان می‌دهند که مدیریت بیماری‌های تنفسی مانند آسم در داخل مدرسه توسط کادر متخصص، باعث می‌شود دانش‌آموزان روزهای بیشتری را در کلاس درس حضور داشته باشند و از روند تدریس عقب نمانند (مرادبیگی و لطیفی، ۲۰۱۴). این هم‌افزایی میان بخش بهداشت و آموزش، نه تنها سلامت فردی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد، بلکه بهره‌وری کل سیستم آموزشی را نیز افزایش داده و از هدررفت منابع جلوگیری می‌کند.

جدول ۴: تحلیل تأثیر مداخلات بر نتایج تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان

حوزه تأثیر	پیامد مثبت مداخله	شاخص تغییر یافته
تحصیلی	افزایش نمرات در دروس اصلی	بهبود عملکرد در ریاضی و علوم
اجتماعی	تقویت روابط با همسالان	کاهش انزوای اجتماعی و قلدری
هیجانی	افزایش عزت نفس و خودکارآمدی	کاهش اضطراب بازگشت به مدرسه
رفتاری	کاهش نرخ رفتارهای بزهکارانه	بهبود انضباط و کاهش تعلق‌ها

یافته‌های مرتبط با دانش‌آموزان دارای ناتوانی نشان‌دهنده ضرورت مداخلات شخصی‌سازی شده و مناسب‌سازی محیطی برای این گروه از فراگیران است. دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به دلیل موانع فیزیکی و گاهی برخورد‌های نامناسب اجتماعی، نرخ غیبت بالاتری دارند که این موضوع شکاف آموزشی را برای آن‌ها عمیق‌تر می‌کند (گوتفريد و دیگران، ۲۰۱۹). یافته‌ها تأکید می‌کنند که مدارس موفق در جذب این دانش‌آموزان، آن‌هایی بوده‌اند که برنامه‌های آموزشی انفرادی (IEP) را با تمرکز بر حضور منظم تدوین کرده و حمایت‌های مددکاری گسترده‌ای ارائه داده‌اند (مظفری و دیگران، ۱۴۰۱). این یافته بر رسالت اخلاقی نظام آموزشی در جهت فراهم کردن بستری عادلانه برای تمامی دانش‌آموزان، صرف نظر از توانمندی‌های جسمی و ذهنی آنان، تأکید می‌ورزد و لزوم تغییر در نگرش کادر آموزشی را یادآور می‌شود.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که مداخلات مبتنی بر همکاری‌های بین‌بخشی (مدرسه، خانواده، محله و دولت) پایداری بیشتری در کاهش غیبت مزمن دارند. ایجاد شوراهای محلی حضور و غیاب که در آن‌ها معتمدین محله، کادر مدرسه و مسئولان شهری حضور دارند، توانسته است مسائل محیطی مانند ناامنی مسیر مدرسه را حل کرده و نرخ حضور را بهبود بخشد (کریمیان و دیگران، ۱۴۰۲). یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که وقتی غیبت به عنوان یک مسئولیت جمعی دیده شود، فشار اجتماعی مثبتی برای حضور در مدرسه شکل می‌گیرد که بر روی رفتارهای انفرادی دانش‌آموزان اثرگذار است (انصاری‌فرد و دیگران، ۱۴۰۰). این تبیین‌های تفصیلی نشان می‌دهند که راه حل نهایی غیبت مزمن در گرو یک

اتحاد راهبردی میان تمامی ارکان جامعه است که دانش آموز را به عنوان گرانبهاترین سرمایه خود در مرکز توجه قرار می دهند.

بحث و نتیجه گیری

تبیین اثربخشی مداخلات مبتنی بر مدرسه و خانواده در کاهش غیبت مزمن نشان می دهد که موفقیت در این عرصه نیازمند عبور از نگاه های سنتی و انضباطی به سمت رویکردهای حمایتی و سیستمی است. نتایج این مقاله مروری تایید می کند که غیبت مزمن محصول تداخل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه ای است و در نتیجه، هیچ مداخله تک بعدی نمی تواند به تنهایی راهگشا باشد. مداخلات مدرسه محور که بر پایه داده های دقیق و شناسایی زود هنگام استوار هستند، به عنوان اولین خط دفاعی در برابر غیبت شناخته می شوند که می توانند مانع از تبدیل شدن غیبت های پراکنده به یک بحران پایدار شوند. در واقع، مدرسه باید به عنوان یک سازمان هوشمند، تغییرات رفتاری دانش آموزان را به دقت رصد کرده و پاسخ های متناسب با آن را در سریع ترین زمان ممکن ارائه دهد.

یکی از نکات کلیدی در بحث حاضر، نقش محوری پیوند میان خانه و مدرسه در پایداری اثرات مداخلات است که در تمامی بخش های پژوهش بر آن تأکید شد. زمانی که والدین مدرسه را نه به عنوان یک نهاد نظارتی صرف، بلکه به عنوان شریکی در رشد و موفقیت فرزندان شان ببینند، میزان همکاری و نظارت آن ها بر حضور دانش آموز افزایش می یابد. برنامه هایی نظیر بازدید از منزل و کارگاه های آموزشی، با انسانی سازی روابط، دیوارهای بی اعتمادی را فرو ریخته و بستری برای حل مشترک چالش های دانش آموز فراهم می آورند. این هماهنگی میان دو محیط اصلی رشد، باعث می شود که دانش آموز پیام های همسو و مثبتی در مورد اهمیت تحصیل دریافت کند که این خود قوی ترین انگیزه برای حضور منظم در کلاس درس است.

علاوه بر این، نتایج نشان داد که مداخلات باید با حساسیت بالایی نسبت به نیازهای بهداشتی و اقتصادی دانش آموزان طراحی شوند تا عدالت آموزشی محقق گردد. در بسیاری از موارد، غیبت دانش آموز انتخابی نیست، بلکه تحمیلی از سوی شرایط محیطی و جسمانی است که نیازمند همدلی و حمایت کادر مدرسه است. ادغام خدمات سلامت در مدرسه و رفع موانع مادی حضور، نشان دهنده تعهد نظام آموزشی به فراهم کردن فرصت های برابر برای تمامی دانش آموزان، فارغ از پیشینه اقتصادی آن هاست. این رویکرد نه تنها نرخ غیبت را کاهش می دهد، بلکه کیفیت زندگی و سلامت عمومی نسل های آینده را نیز تضمین می کند که این خود از اهداف عالی تعلیم و تربیت محسوب می شود.

در سطح کلان، سیاست گذاران آموزشی باید از نتایج این پژوهش برای تدوین برنامه های جامع و بلندمدت استفاده کنند که بر پایه همکاری های بین بخشی استوار باشد. مقابله با غیبت مزمن نیازمند مشارکت نهادهای بهداشتی، رفاهی و اجتماعی در کنار مدارس است تا بتوان به تمامی ابعاد این مساله بدخیم رسیدگی کرد. تغییر در پارادایم های مدیریتی مدارس از "کنترل" به "حمایت" و استفاده از تکنولوژی برای شخصی سازی مداخلات، از ضرورت های عصر حاضر برای بهبود شاخص های حضور و یادگیری است. مدارس باید بتوانند محیطی گرم، مشوق و امن بسازند، نه تنها غیبت را کاهش می دهند، بلکه اشتیاق به دانستن و رشد را در دل دانش آموزان خود زنده نگه می دارند.

در نهایت، می توان نتیجه گرفت که کاهش غیبت مزمن یک فرآیند مستمر و پویاست که نیازمند صبر، تخصص و تعهد تمامی ذینفعان در نظام آموزشی است. ارتقای نرخ حضور دانش آموزان نه تنها یک شاخص آماری، بلکه نمادی از موفقیت ما در ساختن جامعه ای عادلانه تر و شکوفاتر است. این مقاله مروری با تبیین مداخلات موثر، راه را برای انجام پژوهش های کاربردی تر و اجرای برنامه های هدفمند در مدارس هموار ساخته است. امید است که با بهره گیری از این یافته ها، شاهد مدارس باشییم که در آن ها هر روز حضور، گامی استوار به سوی موفقیت و سعادت برای تمامی دانش آموزان این سرزمین باشد.

منابع

- انصاری فرد، پ.، منظری، م.، و احمدی برهان آبادی، ک. (۱۴۰۰). تبیین جنبه های مختلف غیبت مداوم در نظام تعلیم و تربیت. در *اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت*، بندرعباس.
- شفیع، ص.، دوستی، م. و انور، م. — (۲۰۲۰). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش آموزان. *پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۱۳(۲)، ۴۲-۵۲.
- تقوی، م.س.، جبلی پیکانی، ز.، سعیدی، ن.، قاسمی، ط.، و فخار، ل. (۱۴۰۳). نقش عوامل روان شناختی و اجتماعی در افت تحصیلی دانش آموزان: یک بررسی کلیدی. در *دومین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده*، بوشهر.
- حصارپور، ک. (۱۴۰۳). تأثیر اختلافات خانوادگی بر پیشرفت و افت تحصیلی دانش آموزان. در *هفدهمین کنفرانس ملی حقوق، روان شناسی و مشاوره علوم اجتماعی و انسانی*، شیروان.
- کریمیان، م.، سیرائی، س.، و حیدرنیا، خ. (۱۴۰۲). راهکارهای غلبه بر غیبت های مکرر و ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. در *دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی*.
- مختاری چکانی، ف.، عطری روزبهانی، ب.، آرمیده، ح.، ظریفیان، ا.، و پرویزخواه، س. (۱۴۰۰). غیبت مداوم و اثرات آن برای دانش آموزان. در *سومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روان شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی*، شیروان.
- مرادبیگی، ا.، و لطیفی، م. — (۲۰۱۴). تأثیر برنامه ی عملی نوشتاری (Written Action Plan) مبتنی بر علایم بر میزان مراجعه به اورژانس و غیبت از مدرسه کودکان ۷ تا ۱۸ سال شهر اهواز. *Research in Medicine*، ۳۸(۳)، ۱۴۴-۱۳۹.
- مظفری، ز.، اکبری باصری، ک.، عبدلهی نژاد، س.، مظفری، ف.، و نبوی، پ. (۱۴۰۱). عملکرد تحصیلی فراگیران و غیبت مکرر: علل و راه حل ها. در *نهمین همایش ملی تازه های روان شناسی مثبت*، بندرعباس.
- Balfanz, R., & Byrnes, V. (۲۰۱۳). Meeting the challenge of combating chronic absenteeism. Everyone Graduates Center at Johns Hopkins University School of Education, ۱-۲.

- Bauer, L., Liu, P., Schanzenbach, D. W., & Shambaugh, J. (۲۰۱۸). Reducing chronic absenteeism under the every student succeeds act. Brookings Institution.
- Childs, J., & Lofton, R. (۲۰۲۱). Masking attendance: How education policy distracts from the wicked problem (s) of chronic absenteeism. Educational Policy, ۳۵(۲), ۲۱۳-۲۳۴.
- Childs, J., & Scanlon, C. L. (۲۰۲۲). Coordinating the mesosystem: an ecological approach to addressing chronic absenteeism. Peabody Journal of Education, ۹۷(۱), ۷۴-۸۶.
- Davis, K. A., Allen-Milton, S., & Coats-Boynton, S. (۲۰۱۹). Making the case for results-based accountability as an intervention for chronic absenteeism in schools to improve attendance. Race and Justice, ۹(۱), ۴۶-۵۹.
- Eklund, K., Burns, M. K., Oyen, K., DeMarchena, S., & McCollom, E. M. (۲۰۲۲). Addressing chronic absenteeism in schools: A meta-analysis of evidence-based interventions. School Psychology Review, ۵۱(۱), ۹۵-۱۱۱.
- Gottfried, M. A. (۲۰۱۴). Chronic absenteeism and its effects on students' academic and socioemotional outcomes. Journal of Education for Students Placed at Risk (JESPAR), ۱۹(۲), ۵۳-۷۵.
- Gottfried, M. A., Stiefel, L., Schwartz, A. E., & Hopkins, B. (۲۰۱۹). Showing up: Disparities in chronic absenteeism between students with and without disabilities in traditional public schools. Teachers College Record, ۱۲۱(۸), ۱-۳۴.
- Henderson, T., Hill, C., & Norton, K. (۲۰۱۴). The connection between missing school and health: A review of chronic absenteeism. Portland, OR: Upstream Public Health.
- Kiani, C., Otero, K., Taufique, S., & Ivanov, I. (۲۰۱۸). Chronic absenteeism: a brief review of causes, course and treatment. Adolescent Psychiatry, ۸(۳), ۲۱۴-۲۳۰.
- Lara, J., Noble, K., Pelika, S., & Coons, A. (۲۰۱۸). Chronic Absenteeism. NEA Research Brief. NBI No. ۵۷. National Education Association.
- London, R. A., Sanchez, M., & Castrechini, S. (۲۰۱۶). The dynamics of chronic absence and student achievement. Education Policy Analysis Archives, ۲۴, ۱۱۲. <https://doi.org/10.1450۷/epaa.۲۴.۲۴۷۱>
- MacNaughton, P., Eitland, E., Kloog, I., Schwartz, J., & Allen, J. (۲۰۱۷). Impact of particulate matter exposure and surrounding "greenness" on chronic absenteeism in Massachusetts public schools. International journal of environmental research and public health, ۱۴(۲), ۲۰۷.
- McCluskey, C. P., Bynum, T. S., & Patchin, J. W. (۲۰۰۴). Reducing chronic absenteeism: An assessment of an early truancy initiative. Crime & Delinquency, ۵۰(۲), ۲۱۴-۲۳۴.

- Nauer, K. (۲۰۱۶). Battling chronic absenteeism. *Phi Delta Kappan*, ۹۸(۲), ۲۸-۳۴.
- Patnode, A. H., Gibbons, K., & Edmunds, R. (۲۰۱۸). Attendance and chronic absenteeism: Literature review. Central for Applied Research and Educational Improvement, ۱-۵۵.
- Raza, A. (۲۰۱۷). Chronic Absenteeism: A Key Indicator of Student Success. Policy Analysis. Education Commission of the States.
- Rankine, J., Goldberg, L., Miller, E., Kelley, L., & Ray, K. N. (۲۰۲۱). School nurse perspectives on addressing chronic absenteeism. *The Journal of School Nursing*, ۱۰۵۹۸۴۰۵۲۱۱۰۴۳۸۷۲.
- Romero, M., & Lee, Y. S. (۲۰۰۷). A national portrait of chronic absenteeism in the early grades.
- Sheldon, S. B., & Epstein, J. L. (۲۰۰۴). Getting students to school: using family and community involvement to reduce chronic absenteeism. *School Community Journal*, ۱۴(۲), ۳۹-۵۶.
- Young, S., Connolly Sollose, L., & Carey, J. P. (۲۰۲۰). Addressing chronic absenteeism in middle school: A cost-effective approach. *Children & Schools*, ۴۲(۲), ۱۳۱-۱۳۸.